دنگ شیائوپینگ؛ معمار اصلاحات در چین

دکتر رضا شیرزادی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی(واحد کرج)

دنگ شیائوپینگ (۱۹۰۴-۱۹۹۷)رهبری جمهوری خلق چین را به دنبال پلنوم سوم، یازدهمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین، در دسامبر ۱۹۷۸ به دست آورد. او طرفدار جدی سیاست گشایش و اصلاحات بود که درنهایت سبب رشد سریع اقتصادی و توسعه اجتماعی چین در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ شد. دنگ تا زمان مرگش در سال ۱۹۹۷،ازیک سو باموفقیت توسعه اقتصادی چین را پیگیری،از سوی دیگرو در همان زمان، سلطه سیاسی واقتدارحزب کمونیست چین را در مواجهه با چالش‌های عمده پیش روی آن،حفظ کرد.

دنگ شیائوپینگ در روستای پای‌فنگ، در منطقه گوانگ استان سی‌چوان چین در ۲۲ آگوست سال ۱۹۰۴ به دنیا آمدودرطی مسیر طولانی خدمات دولتی، به تدریج از میان مقامات حزب کمونیست، سر برآورد. درگیر شدن او در سیاست انقلابی در

اوایل دهه ۱۹۲۰ شروع شد یعنی زمانی که او یک عضو برجسته انجمن جوانان کمونیست به حساب آمد. مدتی در فرانسه دریک برنامه مطالعاتی تحت حمایت دولت فرانسه، مشغول تحصیل بود. در سال ۱۹۲۶ به مسکو نقل مکان کرد و برای یک سال در دانشگاه شرقی که توسط سومین بین‌الـملل کمونیستی(کمینترن) تأسیس شده بود، مشغول مطالعه شد.

به دنبال بازگشت او به چین در سال ۱۹۲۷، دنگ را در مناصب بالاتر حزبی به کار گرفتند. در جولای ۱۹۳۱، دنگ به استان جیانگ‌شی اعزام شد جایی که مائو تسه تنگ و دیگر اعضای رهبری کمونیست ها یک شورای روستایی را تأسیس کرده بودند. طی راهپیمایی بزرگ در سال‌های ۱۹۳۵-۱۹۳۴، او یکی از با کفایت‌ترین مشاوران مورد اعتماد مائو بود و در اوج رهبری حزب کمونیست چین به کار گرفته شد تا مبنای جدید قدرت را در روستای دور افتاده نیان در استان شاآنکشی ایجاد کند. دنگ شیائوپینگ طی جنگ جهانی دوم به عنوان کمیساریای (نماینده) سیاسی برای لشکر یکصد و بیست و نهم به واسطه تلاش قهرمانانه‌اش علیه اشغال چین شمالی توسط ژاپن فعالیت کرد. در جنگ داخلی حزب کمونیست چین با گومین تانگ که طی سال های ۱۹۴۷-۱۹۴۶ رخ داد، او به عنوان کمیساریای سیاسی ارشد در ارتش آزادیبخش خلق مسئولیت داشت و برای موفقیت‌های چشمگیرش در شکست دادن نیروهای ملی‌گرای جیانگ کای شک در چین شمالی شهرتی کسب کرد.بلافاصله پس از تأسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹، دنگ مدیریت دفتر سیاسی حزب در جنوب‌غربی چین را به عهده گرفت که کنترل کمونیست‌ها بر سی‌چوان و مناطق مجاور را تثبیت می‌کرد.

او در سال ۱۹۵۲ به حکومت مرکزی در پکن منتقل شد و تعداد عناوین رسمی‌اش افزایش یافت و در سال ۱۹۶۵ به ردهٔبالای اهمیت دبیر کلی دفتر سیاسی حزب کمونیست چین رسید. به دنبال شکست سیاست گام بزرگ به جلو(۱۹۶۲-۱۹۵۸) و کناره گیری مائوتسه تنگ از خط مقدم رهبری، دنگ و لیو شائوچی به عنوان مقامات ارشد ظهور کردند. دراوایل دهه ۱۹۶۰، این دو مرد برای احیای کشاورزی و صنعت کشور با موفقیت قابل ملاحظه‌ای تلاش کردند.

ناخشـنودی شـدید مائـو از «خـط فرصت‌طلب راست‌گرای» حزب کمونیست چین به رهبری دنگ شیائوپینگ و لیو شائوچی، او را ترغیب به شروع انقلاب بزرگ فرهنگی پرولتاریایی در سال ۱۹۶۶ کردند. در همین راستا، از سوی حامیان تندرو مائو در اکتبر ۱۹۶۹ از پایتخت تبعید شد و در استان جیانگ‌شی تا فوریه ۱۹۷۳ اقامت گزید. جابه جایی‌های باورنکردنی در سیاست انقلاب فرهنگی، مائو را به اعاده حیثیت سیاسی وی واداشت. بازگشت او به رهبری مرکزی

زیاد به طول نینجامید اما در آوریل ۱۹۷۶ بار دیگر توسط رادیکال‌ها از قدرت خلع شد. به دنبال مرگ مائو در سپتامبر ۱۹۷۶، و دستگیری همسر مائو،جیانگ‌جینگ و دیگر چپ‌گرایان افراطی که به باند چهار نفره معروف شدند، او بار دیگر به رده رهبری مرکزی بازگشت .

به دنبال پلنوم سوم یازدهمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در دسامبر ۱۹۷۸، به عنوان قدرتمندترین رهبر در سلسله مراتب حزب کمونیست ظهورکرد و سریع حامیان اصلاح‌طلبی چون هو یائو بانگ و زائو زیانگ را به حاکمیت دفتر سیاسی گماشت.

دنگ با اتخاذ شعار «عمل تنها معیار حقیقت است»، تندروی چپ گرایانه انقلاب فرهنگی را مردود اعلام و به طور جدی برنامه «چهار نوسازی» را در حوزه‌های کشاورزی، صنعت، دفاع ملی و علوم و فنّاوری دنبال کرد.

هدف از برنامه چهار نوسازی، تأسیس دانشگاه‌های کلیدی برای آموزش نسلی جدید از دانشمندان و تکنیسین‌ها بود. در روستاها، دهقانان مجاز به استخدام در مشاغل جنبی شدندکه در گذشته قدغن بود. این مشاغل شامل طیف وسیعی از ابتکارعمل‌های خصوصی در حال رشد، فرآوری و بازاریابی کالاهای کشاورزی می‌شدند. مدیران دولتی اجازه یافتند که انعطاف بیشتری دردادن پاداش برای بهره‌وری فردی در میان کارگران و نیز در تعیین تولید بر مبنای ملاحظات بازار از خود نشان دهند. به این ترتیب مشوق‌های خصوصی و نیروهای بازار در چین اجازه یافتند آزادانه به عنوان محرّک برای توسعه اجتماعی و اقتصادی عمل کنند.

به طور کلی توجه به اصلاحات سیاسی و تلاش عمده بر تمرکزگرایی و دموکراسی خلقی معطوف شد. بنابراین مبنای تصمیم‌گیری در رده‌های حزب کمونیست چین گسترش یافت.همچنین اقداماتی برای آماده ساختن سازمان‌های قضایی در جهت داشتن استقلال بیشتر و تقویت اصل کیفیّت کارقضایی با هدف رسیدگی به کار همه مردم قبل از رسیدگی قانونی صورت گرفت. این اصلاحات سیاسی و حمایت های قانونی جدید برای

■ ناخشنودی شدید مائو از «خط فرصت‌طلب راست‌گرای» حزب کمونیست چین به رهبری دنگ شیائوپینگ و لیو شائوچی، او را ترغیب به شروع انقلاب بزرگ فرهنگی پرولتاریایی در سال ۱۹۶۶ کردند

■ در حالی که حزب کمونیست چین برای تعریف مجدد ایدئولوژی در حال تحول با شعارهایی همچون «سوسیالیسم با ویژگی های چینی» تلاش می‌کرد، ظهور سریع چین به عنوان یک ابرقدرت اقتصادی در دهه ۱۹۹۰، گواهی نیرومند بر مؤثر بودن رهبری سیاسی عمل‌گرایانه دنگ شیائوپینگ بود

بسیاری، امیدواری‌های زیادی ایجاد کرد اما سرکوب شدید جنبش دیوار دموکراسی توسط دنگ در اوایل سال ۱۹۷۹ متعاقب نظر خواهی عمومی برای نوسازی پنجم، دموکراسی را در این کشور با چالش‌هایی مواجه کرد. در حالی که آزادی های جدید در فضای توسعه اقتصادی مجاز شمرده شدند، حزب تحت رهبری دنگ تا جایی آسان می‌گرفت که چالشی برای تفوق سیاسی‌اش به وجود نیاید.

در دهه‌ی ۱۹۸۰ سیاست اصلاح و گشایش دنگ، رفته رفته به صورت برنامه‌های جدیدی گسترش یافت تا به رشد در بخش‌های کشاورزی و صنعتی بینجامد. برای تشویق سرمایه‌گذاری خارجی و گسترش صنایع صادراتی چین، چهار منطقه ویژه اقتصادی در نزدیکی شهرهای عمده ساحلی ایجاد شد. این مناطق به عنوان ناحیه‌های تکوین بنگاه های اقتصادی مشترک جدید و متنوع با همکاری شرکت‌های خارجی به کار گرفته شدند. روابط سیاسی بهبودیافته با ژاپن و ایالات متحده آمریکا در این زمان، بازارهای این کشورها را به روی کالاهای چینی گشود که موازنه تجاری مطلوبی را ایجاد کرد و سرازی شدن جریان بزرگ سرمایه را به داخل چین موجب شد. رشد اقتصادی چشمگیر چین در دهه ۱۹۸۰، پی‌آمدهایی منفی همچون تورم بالا، بیکاری و فساد فزاینده در میان مقامات حکومتی ایجاد کرد. دشواری‌ها و بی ثباتی اقتصاد جدید، با فقدان اصلاحات دموکراتیک توسط حکومت کمونیستی ترکیب شد که منتهی به این واقعه شد که دانشجویان دانشگاه به خیابان بریزند و اعتراض کنند که اوج آن حادثه غم‌انگیز میدان تیان آن‌من پکن در تابستان سال۱۹۸۹ بود. سرکوب بی‌رحمانه تظاهرات فراگیر در تیان آن‌من توسط دنگ به طور مؤثری مخالفت‌های سیاسی را افزایش داد و مقامات حزب کمونیست چین را به ایستادگی در برابر معترضان واداشت، به ویژه زمانی که حکومت‌های کمونیست اتحاد شوروی و اروپای شرقی به سرعت در حال فروپاشی بودند.

دنگ تا هنگام مرگ خود در پکن در ۱۹ فوریه ۱۹۹۷، به ترویج نوسازی و گسترش اقتصاد در چین ادامه داد، در عین حال عنان قدرت سیاسی نسل جدیدی از رهبران فن سالار(تکنوکرات) را دردست داشت که کسانی مانندجیانگ زمین(رئیس جمهور ۲۰۰۴-۱۹۹۳) و زو رونگجی (نخست وزیر۲۰۰۴-۱۹۹۸) آن را نمایندگی می‌کردند. در حالی که حزب کمونیست چین برای تعریف مجدد ایدئولوژی در حال تحول با شعارهایی همچون «سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی» تلاش می‌کرد، ظهور سریع چین به عنوان یک ابرقدرت اقتصادی در دهه ۱۹۹۰، گواهی نیرومند بر مؤثر بودن رهبری سیاسی عمل‌گرایانه دنگ شیائوپینگ بود. با این حال، در سرآغاز هزاره سوم میلادی، هنوز چالش‌های دموکراسی و حقوق بشر، آینده توسعه در چین را تهدید می‌کند.